

چهارباغ اصفهان

لطف‌الله هنر فر دکتر در تاریخ
استاد دانشگاه اصفهان

سابقه نام چهارباغ :

و چهارباغ میمنه و چهارباغ میرزا شاهرخ نزدیک دروازه بخارا^۱.

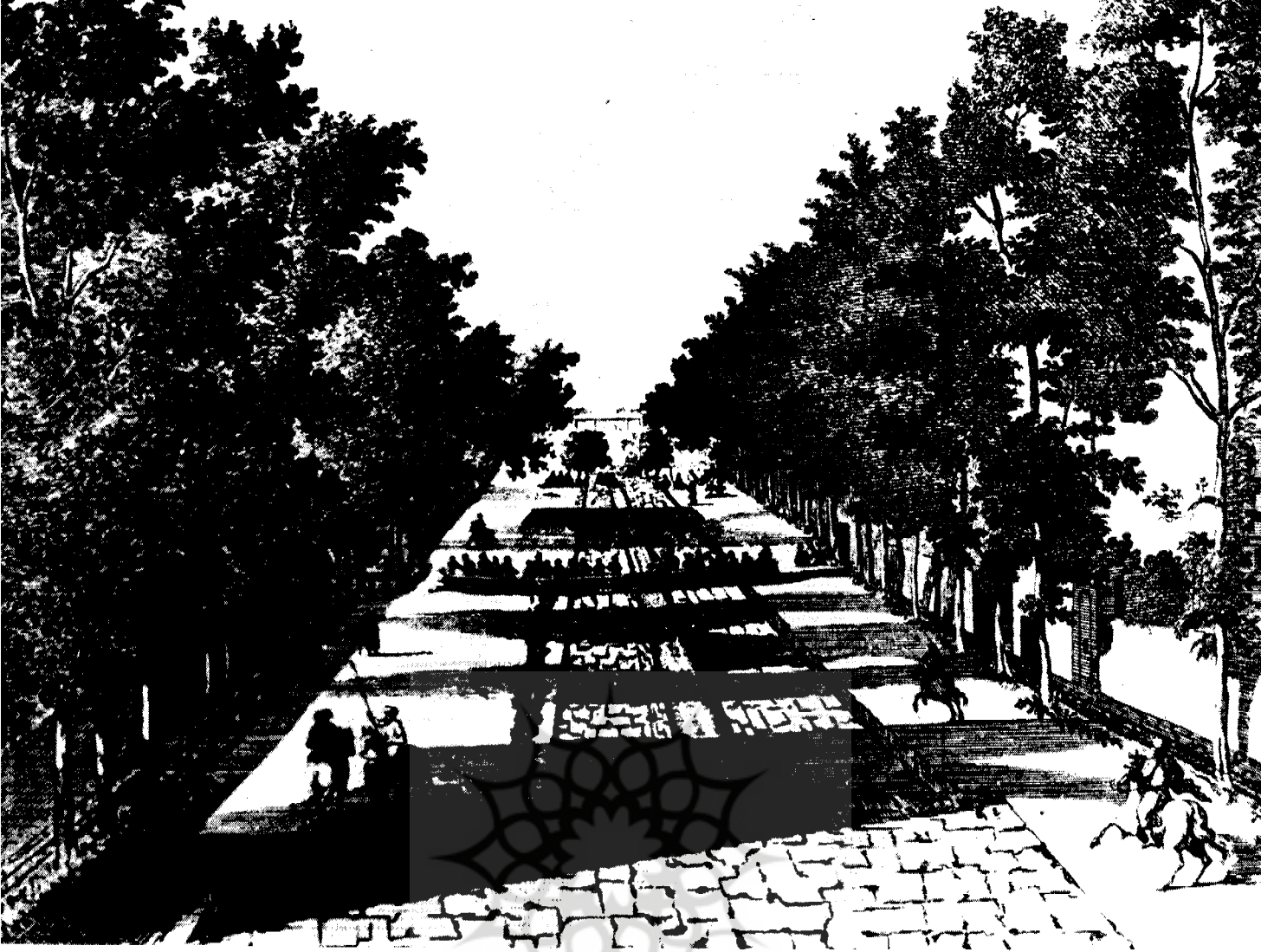
فرمان شاه‌عباس اول راجع به احداث خیابان چهارباغ اصفهان :

در سال ۱۰۲۵ هجری گردشگاه چهارباغ بطوریکه شاه‌عباس اول انتظار داشته آراسته شده بوده است . اسکندربیک ترکمان درباره طرح چهارباغ اصفهان در سال ۱۰۰۶ هجری و اتمام عمارات و باغات دلگشای آن تا سال ۱۰۲۵ هجری چنین نوشته است :

« در سال ست و الف هجری (۱۰۰۶) رأی جهان آرا بدان قرار گرفت که دارالسلطنه مزبور را مقرر دولت ابد مقرون ساخته و عمارات عالی طرح نمایند . بدین‌نیت صادق و عزم لایق متوجه آن صوب گشته زمستان را بعیش و خرمی در دولت‌خانه مبارکه نقش جهان^۲ گذرانیده اکثر اوقات را بسیر و شکار صرف میفرمودند و شبها مجالس بهشت آسا آراسته بساط عشرت گسترانیده میشد و ایام بهار عمارات عالی در نقش جهان طرح انداخته معماران و مهندسان در اتمام آن میکوشیدند و از دروب شهر یک دروازه در حریم باغ نقش جهان واقع و بدر ب دولت (دروازه دولت فعلی) موسوم است ، از آنجا تا کنار زاینده رود خیابانی احداث فرموده چهارباغی در هردو طرف خیابان

قرن نهم هجری از لحاظ پیشرفت‌های علمی و ادبی و صنعتی از قرون ممتاز تاریخ ایران است . اگر در اواخر قرن هشتم سپاه تیموری بسی آثار صنعتی و علمی را ویران ساخت اما اخلاف تیمور در قرن نهم آثاری بدیع در صنایع و معماری بوجود آوردند و در دوره حکمرانی آنها هنرهای زیبا به اوج ترقی رسید . امیرزادگان تیموری عاشق هنر بودند و خود نیز از هنرمندان بزرگ محسوب میشدند و در دستگاه آنها حسن معاشرت و لطف گفتار و کردار در مجامع و محافل به حد اعلی رسید . شاهرخ و الغیبیک و بایسنقر و سلطان حسین میرزا بایقرا عاشقان کتاب بودند و کتابخانه‌های بزرگ فراهم آوردند و در زمان آنها نقاشی و تذهیب و خط و صحافی به درجه عالی ظرافت رسید . شاهرخ هرات را مرکز حکومت خود قرار داد و فرزندش امیرزاده الغیبیک بدستگیری گزروه هنرمندانی که جدش تیمور گورکان از نقاط مختلف ایران به سمرقند کوچ داده بود در آبادی و توسعه این شهر کوشید و معماران چیره‌دست ایرانی آثار ارزنده سمرقند مانند مسجد و خانقاه الغیبیک و مسجد شاه زند و مدرسه الغیبیک و عمارت چهلستون و قصر تختگاه (کورنوش‌خانه) و چینی‌خانه و رصدخانه را بوجود آوردند . چنین بنظر میرسد که ایجاد خیابانها و گردشگاهها هم در شهرهایی مانند بلخ و هرات و بخارا و مشهد و اندجان و قندوز نیز در همین قرن تاریخی منظور بنظر امیرزادگان تیموری واقع گردیده است زیرا ضمن بررسی تاریخ همین دوره بنام چهارباغ در بعضی شهرهای ایران برمیخوریم مانند چهارباغ ابراهیم سلطان میرزا در بلخ و چهارباغ امیر مزید ارغوان در بیرون شهر بلخ و چهارباغ حافظ بیک در اندجان و چهارباغ خسروشاه در بیرون شهر قندوز و چهارباغ رادکان در خراسان و چهارباغ مشهد

۱ - رجوع شود به صفحه ۵۳۹ جلد سوم تاریخ حبیب‌السیر و صفحات ۲۹۴ تا ۲۹۶ و ۱۹۰ - ۲۶۵ و ۱۹۳ - ۲۸ - ۵۷ - ۲۱۷ و ۱۴۷ جلد چهارم تاریخ حبیب‌السیر .
۲ - مقصود عمارت عالی قابو است .

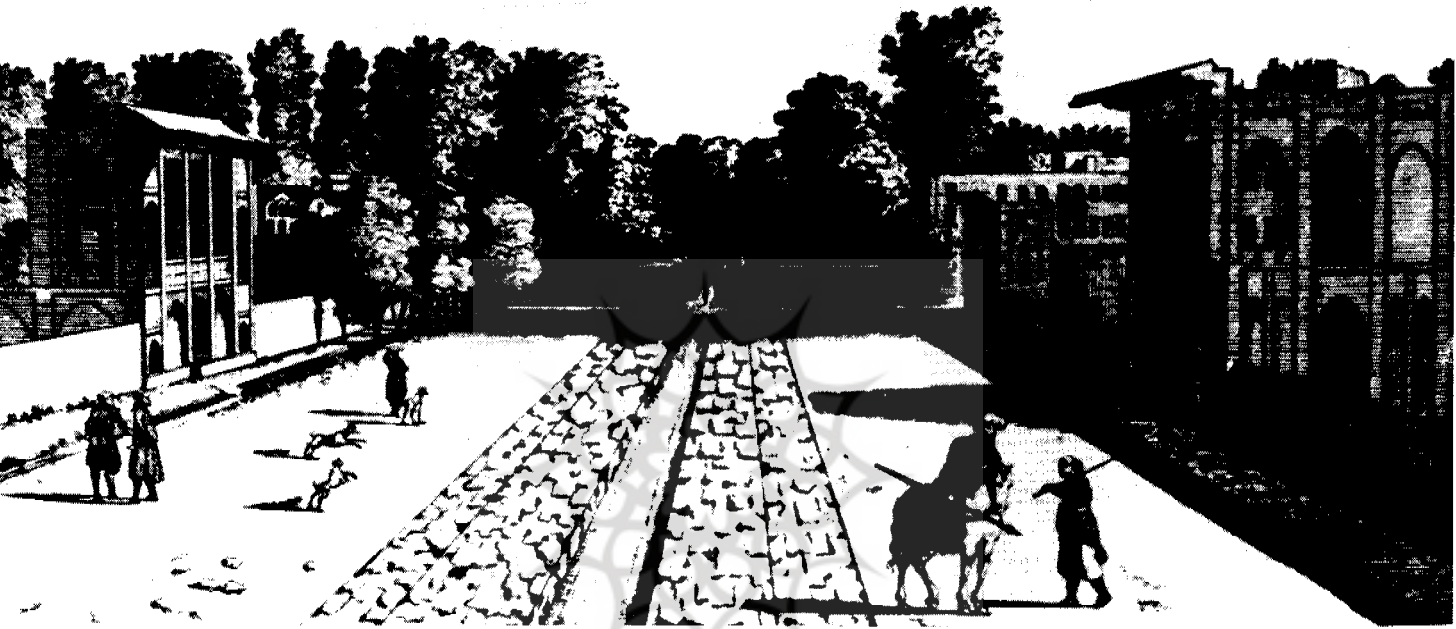


منظره چهارباغ اصفهان در اواخر دوره صفویه (از سفرنامه کرنلیوس لوبرون)

باشد تخمیناً یکفرسخ شرعی و از دوطرف خیابان جوی آب جاری گردد و درختان سرو و چنار و کاج و عرعر غرس شود و از میان خیابان نهری سنگ بست ترتیب یابد که آب از میان خیابان نیز جاری باشد و در برابر عمارت چهارباغ حوض بزرگ بسان دریاچه ساخته شود .

القصه هرکسی از امرا و اعیان و سرکاران عمارات بوقوف معماران و مهندسان شروع در کار کرده و در انجام آن سعی گشتند و از آن تاریخ تا حال که سنه هجری بخمس و عشرين و الف (۱۰۲۵) رسیده و این شگرف نامه تحریر میباید عمارات با صفا و باغات دلگشا بنوعی که طرح کارخانه ابداع در عرصه ضمیر مبارک اشرف طرح افکنده بود بحیز ظهور آمده در کمال لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت ، درختان سربفلك افراشته و اشجار میوه دارش گوئی بطوبی جان پیوند دارد . الحاصل هرباغی از آن رشگ جنان و عمارات رفیعش که بذقوش بدیع

و عمارات عالیه در درگاه هرباغ طرح انداختند و از کنار رودخانه تا پای کوه جانب جنوبی شهر انتهای خیابان چهار باغ قرار داده اطراف آنرا بر امرا و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده اند که هر کدام باغی طرح انداخته و در درگاه باغ عمارتی مناسب درگاه مشتمل بر درگاه و ساباط رفیع و ایوان و بالاخانه ها و منظره ها در کمال زیب و زینت و نقاشی های بطلا و لاجورد ترتیب دهند و در انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع پست و بلند نه طبعه جهت خاص پادشاهی طرح انداخته بیباغ عباس آباد موسوم گردانیدند و پل عالی مشتمل بر چهل چشمه (مقصود پل اللهوردی خان است که در حال حاضر بیش از ۳۳ چشمه ندارد) بطرز خاص میان گشاده که در هنگام طغیان آب در کل ، یک چشمه بنظر درمی آید قرار دادند که برزاینده رود بسته شده هر دو خیابان (مقصود چهارباغ پائین و بالا است) بیکدیگر اتصال یابد و تا عباس آباد یک خیابان



نمای عمومی سردر باغهای سلطنتی در اطراف خیابان چهارباغ (از سفرنامه کرنلیوس لوبرون)

پایتخت ایران بسر برده است پس از توصیف میدان شاه اصفهان در باره خیابان چهارباغ چنین مینویسد :

«محل تماشائی دیگر اصفهان خیابانی است که فعلاً» در خارج از شهر قرار دارد ولی وقتیکه محلات جدید همانطور که بآن اشاره کردم بیکدیگر ملحق شدند کاملاً در وسط قرار خواهد گرفت .

طول این خیابان دو الی سه میل و عرض آن شاید دو برابر Ponte Molle باشد (پنت‌میل نام یکی از پلهای شهر رم است که بر روی رودخانه تیبر قرار دارد) در شروع این خیابان از سمت شهر اصفهان خانه کوچک چهارگوشی قرار گرفته که ابوابها و پنجره‌های زیادی دارد و با تصاویر و نقش‌ونگارهای جالبی تزیین شده‌است. از بالای این خانه تمام خیابان را بخوبی میتوان دید و غرض از ساختمان آن نیز همین بوده است و قصر

مذهب و مزین و بصور مصوران نادره کار آراستگی دارد گوئی سدیر و خورنق از آن نشانی است بلکه در عرصه گیتی نظیر و عدیل آن محض خیال و گمانی .

عجب چهار باغی است بهجت فرا
گرش ثانی خلد گویند شاید
چو تاریخ آن دل طلب کرد گفتم
نهالش بکام دل شه بر آید^۴

توصیف چهارباغ اصفهان در زمان شاه‌عباس کبیر

نوشته پی‌یترو دولواواله :

پی‌یترو دولواواله (Pietro Della Valle) ^۴ جهانگرد ایتالیائی که در دوران سلطنت شاه‌عباس کبیر مدتی در اصفهان

شاه را نیز دالانی به آن متصل میکند (مقصود نویسنده عمارت جهان‌نماست که درمحل دروازه دولت فعلی اصفهان قرار داشته است) درکنار خیابان دیوارهای یکسان و منظمی وجود دارد که در داخل آنها باغهای سلطنتی واقع شده و ورود با آنها برای گردش مردم آزاد است و با انعام مختصری به باغبان میتوان بحد دلخواه از میوه‌جات آن بهره گرفت.

مدخل این باغها با نظم و ترتیب خاصی درمقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و بالای هر یک از درب‌ها عمارات کوچک ولی زیبایی ساخته شده که میتوان ضمن گردش و تفریح وارد آنها شد و ممکن است اشخاص غذای خود را نیز در آنجا صرف کنند. تعداد این عمارات آنقدر زیاد است و قرینه‌سازی و تناسب به اندازه‌ای در آنها رعایت شده که واقعاً زیباتر از آن نمیتوان تصور کرد. بعلاوه در داخل باغها و بیرون از آنها درخیابان صفوف طولانی و منظم درختان انبوهی قرار گرفته که تناسب و نظم آنان فوق‌العاده است و نیز با فاصله‌هایی چند و غالباً درمقابل خانه‌های زیبا حوضهای بزرگی باشکال مختلف دروسط خیابان قرار گرفته که مملو از آب است و هر یک از آنها تا کنار معبر عربی که برای عبور مردم پیاده و سواره ساخته شده گسترش یافته است.

نهر بزرگی که در بستری سنگی جاری است و تمام طول خیابان را از وسط آن می‌پیماید این حوضها را سیراب میکند. در بسیاری از این حوضها آب از فواره‌ها جهش میکند و در بعضی دیگر بصورت آبشارهای کوچکی سرازیر میشود. کف پیاده‌روهای خیابان سنگ‌فرش و برای عبور انسان و اسب بسیار مناسب است و به فاصله‌هایی چند سنگ‌فرش قطع و در زمین‌گلهای مختلف کاشته شده است.

چهارباغ بالا : بعد از پل اللهوردیخان خیابان کماکان با همان دیوارها و درختان و خانه‌ها و باغها و حوضها ادامه دارد با این تفاوت که خانه‌ها و باغات اطراف آن دیگر به شاه تعلق ندارد بلکه متعلق به اشخاص مختلفی است که برای اطاعت از دستور شاه و حفظ زیبایی خیابان در ساختن آنها بریکدیگر سبقت جسته‌اند. خیابان به باغ بسیار بزرگی که باغ هزارجریب نام دارد منتهی میشود. این باغ و همچنین خیابانی که بدان اشاره کرده‌ام امروز به اسم چهارباغ خوانده میشود زیرا دراصل باغهای چهارگانه‌ای در این محل وجود داشته که از مجموع آنها وضع فعلی بوجود آمده است.

اهمیت خیابان چهار باغ : روی هم رفته بدلیل اینکه چهارباغ به شاه تعلق دارد واقعاً دارای عظمتی بی‌نظیر است و باید با طیب خاطر اعتراف کنیم که خیابان پوپولو در رم La Strada del Popolo و خیابان پوجورئال Poggio Reale

در ناپل و خیابان خارج از شهر ژن و خیابان Montréal در شهر پاریس هیچکدام به پای آن نمیرسند.^۵

۳ - رجوع شود بصفحه ۵۴۴ و ۵۴۵ جلد اول تاریخ عالم‌آرای عباسی تألیف اسکندربیک ترکمان.

۴ - پی‌یترو دولاوله Pietro Della Valle در یازدهم آوریل ۱۵۸۶ در رم متولد شد. پدرش Pompéo و مادرش جوانا آلبرینی Givanna Alberini نام داشتند و خانواده وی یکی از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین خانواده‌های رم محسوب میشود. در جوانی به آداب شوالیه‌ها آشنا شده و فنون نظامی را آموخته بود. در نتیجه شکست در عشق غمگین و مأیوس شد به شهر ناپل رفت و لباس زائرین را برتن کرد و گردن‌بند متبرکی به گردن آویخت که تا آخر عمر همراه او بود و از آن پس همهجا لقب ایل پلگرینو Il Pellegrino یعنی زائر را باخر نام خود اضافه کرد و تمام کتابهای او نیز با همین عنوان به چاپ رسیده است.

پی‌یترو دولاوله برای فراموش کردن شکست عشق و از طرف دیگر بر اثر تشویقهای دوست‌دانشمنده خود ماریواسکیپانو Mario Schipano تصمیم به مسافرت مشرق‌زمین گرفت و در هشتم ژوئن ۱۶۱۴ با کشتی Gran Delfino از ونیز عازم قسطنطنیه شد و تا سپتامبر سال ۱۶۱۵ در این شهر بود سپس رهسپار آسیای صغیر و مصر شد و از طریق صحرای سینا به فلسطین و اورشلیم و دمشق و حلب رفت و از بغداد وحله دیدن کرد. پس از مراجعت به بغداد با یک دوشیزه ۱۸ ساله آسوری مسیحی بنام Sitti Maani ازدواج کرد.

پی‌یترو دولاوله پس از این ازدواج در تاریخ چهارم ژانویه ۱۶۱۷ مطابق با ۲۵ ماه ذیحجه سال ۱۰۲۵ برابر با بیست و نهمین سال سلطنت شاه‌عباس اول با تفاق زوجه خود و چندتن از ملازمان و خدمتکاران با کاروانی عازم ایران و اصفهان شده است. در سال ۱۶۱۸ در شهر اشرف (به شهر امروز) برای اولین مرتبه به حضور شاه‌عباس اول باریافته است و چون شاه با او به مهربانی تمام رفتار کرده در دربار ایران برای مدتی مانده و در سفر و حضر همراه شاه‌عباس بوده است.

در سال ۱۶۲۲ (۱۰۳۱ هجری) ایران را به مقصد هند ترک کرده ولی زوجه زیبای او در شهر میناب چشم از جهان فرو می‌بندد و او را به شدت دچار ناراحتی میکند. این جهانگرد پس از دیدار از سرزمین هند به موطن خود مراجعت کرده و در ۲۸ مارس ۱۶۲۶ (۱۰۳۵ هجری) به رم بازگشته است و از ملازمان خاص پاپ اوربانوی هشتم Urbano VIII قرار گرفته است.

مرگ پی‌یترو دولاوله در آوریل سال ۱۶۵۲ (۱۰۶۲ هجری) اتفاق افتاد و جسد او در کلیسای آراچلی دفن شد. پی‌یترو دولاوله علاوه بر سفرنامه خود تألیفات دیگری نیز داشته است مانند تاریخ گرجستان که در سال ۱۶۲۷ به پاپ اوربانوی هشتم تقدیم شده است و کتاب خصوصیات عباس شاه ایران که از طرف او به کاردینال فرانچسکو باربرینی (Francesco Barberini) از نجیب‌ای رم و خوشاوند او تقدیم شده است. این کتاب در سال ۱۶۲۸ در ونیز به چاپ رسیده. (اقتباس از مقدمه کتاب سفرنامه پی‌یترو دولاوله ترجمه دکتر شجاع‌الدین شفا چاپ تهران).

۵ - اقتباس از سفرنامه پی‌یترو دولاوله ترجمه دکتر شجاع‌الدین شفا صفحه ۳۹ تا ۴۲.



منظره چهارباغ پائین در اواخر دوره قاجاریه

یکی بزرگتر و درمیان باغ مشتمل بر تالاری است که از هر طرف باز و در گوشه‌های آن اطاقها و صندوقخانه‌ها قرار دارد و دیگری روی سردر باغ بنا شده و آن نیز از هر طرف باز است تا بتوان رفت و آمد مردم را در خیابان دید.

وسعت بنای این کلاه فرنگی‌ها یکسان و لسی ساختمان هر کدام متفاوت است و همه آنها نقاشی و طلاکاری و لاجوردی است بطوریکه منظره بس دلکش و درخشانده دارد. بیشتر نقاط دیوارهای باغها مشبک و مانند ردیف خشت‌هایی است که برای خشکانیدن چیده باشند و از بیرون بخوبی درون آنرا میتوان دید. هر یک از حوض‌های خیابان در اندازه و شکل متفاوت است و چون سطح خیابان در همه جا یکنواخت نیست همه آنها در نقشه دیده نمیشود. این خیابان در آنطرف رودخانه بلند و در این طرف در طولی باندازه دو بیست پا مسطح و کمی منخفض است. بطوریکه میتوان هم در رفتن و هم در برگشتن حوضها و فواره‌ها و آبشارها را که بی‌نهایت زیبا و دلپسند و شگفت‌انگیز است دید و هر گاه خیابان مسطح و صاف بود این منظره دل‌فریب در همه جای آن دیده میشد. این خیابان در آنطرف رودخانه طولیتر از این طرف است.

توصیف چهارباغ اصفهان از سفرنامه شوایه‌شاردن:

شوایه شاردن^۱ جهانگرد معروف فرانسوی که در دوران سلطنت شاه‌عباس دوم و شاه سلیمان مدت مدیدی در ایران بسر برده است در سفرنامه خود خیابان چهارباغ اصفهان را چنین توصیف میکند:

«از این معبر که میتوان آنرا گردشگاه مشجر عمومی اصفهان نامید شروع میکنم. این خیابان زیباترین معبری است که من تاکنون دیده و باشنیده‌ام. طول خیابان سه میل و دو بیست پا و عرض آن ۱۱۰ پا است. لبه‌های نهر آبی که در وسط و در تمام خیابان جاری است از سنگ تراش ساخته شده و از سطح زمین نه‌انگشت (پوس) ارتفاع دارد و عرض آن باندازه‌ای است که دو نفر سوار میتوانند روی آن در هر طرف حرکت کنند. لبه‌های آن حوض‌ها نیز بهمین عرض ولی قسمت سنگفرشی که میان درختان و دیوار خیابان است بهمین ارتفاع و لسی عریض‌تر است.

اطراف این خیابان فرح‌انگیز دلپسند باغهای وسیع زیبایی است که هر یک دارای دو عمارت کلاه‌فرنگی است که

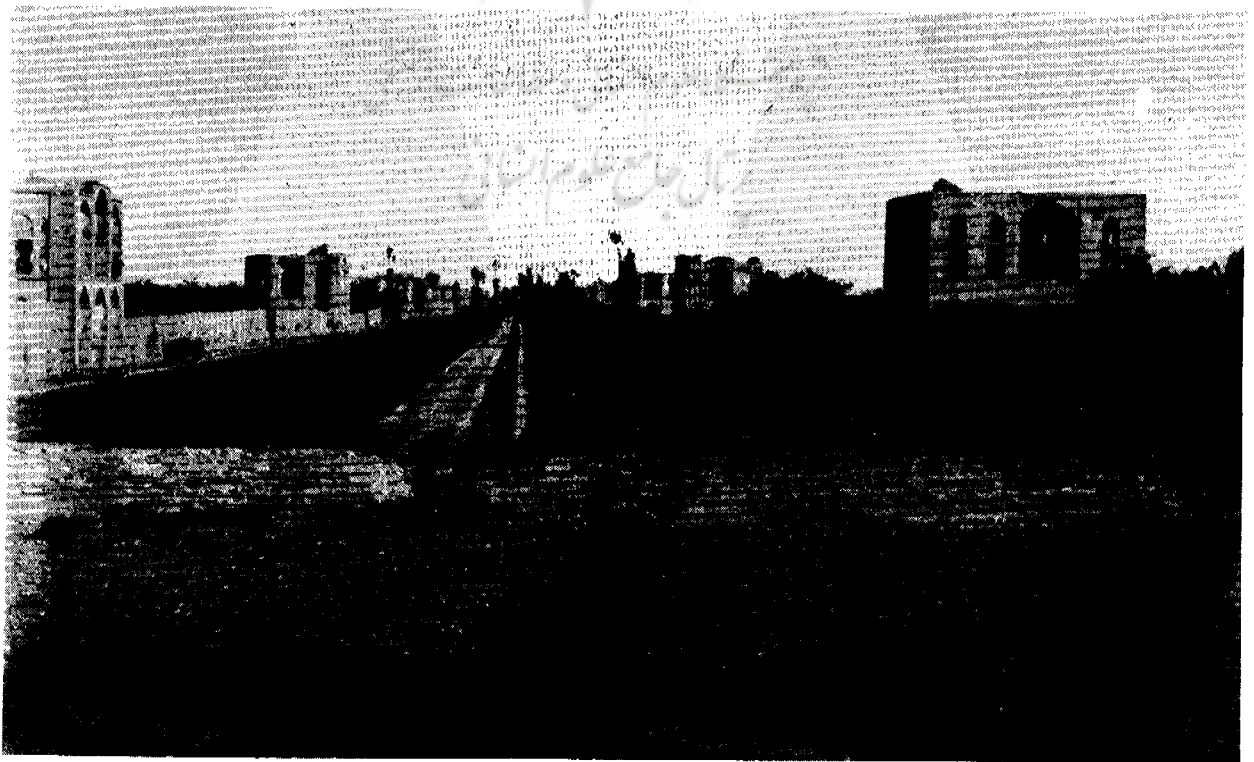
کوچه‌هاییکه به‌خیابان می‌پیوندند دارای جویهای آب و دو ردیف درخت چنار است که یک ردیف نزدیک دیوارهای خانه‌ها و یک ردیف آن کنار جویهاست. این خیابان به‌عمارت تفریحی شاه که به‌مناسبت بزرگی به هزار جریب موسوم است ختم می‌گردد. ابتدای این خیابان دلدیزیا عمارت کلاه‌فرنگی بزرگی است که مقابل عمارت هزار جریب واقع است بطوریکه این دو عمارت در دو انتهای این خیابان می‌باشد. این عمارت سه طبقه است و در سمت عقب و طرف چپ در و منفذی ندارد (منظور نویسنده عمارت جهان‌نماست که امروز وجود ندارد) زیرا این دو قسمت بطرف اندرون شاهی است و در دو طرف دیگر نیز بجای شیشه، پنجره‌هایی است که از داخل بیرون را میتوان دید ولی از بیرون چیزی پیدا نیست. این پنجره‌ها را با گچ ساخته و بطرز مجلل و زیبایی نقاشی و طلاکاری کرده‌اند. این عمارت را شاه‌عباس کبیر از آن جهت ساخت تا بانوان حرم بتوانند به تماشاهائی از قبیل ورود سفراء و گردشهای درباری بپردازند.

مقابل عمارت کلاه فرنگی حوض مربعی است که مساحت آن پانزده پا می‌باشد و در گوشه این عمارت دروازه شاهی است. در گوشه دیگر این عمارت مدخل دیگری قرار دارد که به حرمسرا باز میشود و فقط زنان حرم و خواجه‌ها و شاه از آن رفت و آمد میکنند. تعداد حوض‌هایی که باعث شکوه و زیبایی این خیابان در قسمت بین رودخانه و شهر است هفت حوض است که چهارتای آنها بزرگ و سه‌تای دیگر کوچکتر است. اولی

مربع و سطح آن پانزده پا و دومی نیز مربع و محیط آن یکصد و بیست پا است که در وسط آن تخت هشت گوشه است که یک پا از سطح آب بلندتر و نرده زیبایی گرد خود دارد که ده نفر راحتی میتوانند برای خنک شدن روی آن بنشینند. حوض سومی دارای هشت ضلع و به محیط صد و هشت پا است که اطراف آن را باغ تخت و باغ بلبل فرا گرفته. حوض چهارم بالای آبشار و محیط آن فقط بیست پا می‌باشد و در سمت چپ آن دروازه نقاشی طلاکاری قرار دارد که به بیرون شهر باز

۶- شاردن Jean Chardin نام او بکرات آمده است چنانکه خود گوید سفر اول او از ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ میلادی (۱۰۷۴ تا ۱۰۸۰ هجری) طول کشید و اکثر این مدت را در ایران گذرانده است. شاردن در این سفر سه سال آخر سلطنت شاه‌عباس دوم و سه سال اول سلطنت شاه سلیمان را درک کرده است. مسافرت دوم او از ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۷ میلادی (۱۰۸۱-۱۰۸۷ هجری) طول کشید و بعلاوه تمایل شدیدی که بشناختن ایران و نوشتن سفرنامه‌های دقیق و صحیح داشته در این مدت باندازه امکان و باکمال جدید به تحصیل زبان فارسی و شناسائی دقیق آداب و رسوم مردم این کشور پرداخته و مرتباً بدربار و دیوانخانه مراجعه کرده و با بزرگان و دانشمندان بگفتگو پرداخته است، شاردن می‌گوید برای شناسائی آنچه مربوط بایران است بقدری دقت کردم و باندازه‌ای رنج بردم که بدون اغراق میتوانم ادعا نمود که مثلاً اصفهان را بیش از لندن میشناسم در صورتیکه بیش از ۲۶ سال در شهر اخیر بسر برده‌ام و همچنین زبان فارسی را درست مانند انگلیسی و تقریباً مانند فرانسه صحبت میکنم - شاردن شهر اصفهان را محله به محله شرح داده و آثار باشکوه آنرا به تفصیل توصیف کرده است.

منظره چهارباغ بالا از پل الهوردی‌خان تا باغ هزار جریب و نمای عمومی سردر باغهای سلطنتی در طرفین این خیابان در روزگاری که به ویرانی کشیده میشد (اواخر دوره قاجاریه)



کاخ (امیر شکارباشی) و کاخ (تفنگچی آقاسی) و اداره امیر شکارباشی را که در آن مرغان شکاری را میپرورند نام برد، جوانان طبقه نجبا و اعیان همه روزه عصرها بهنگام تابستان که آب پائین است هم برای ورزش و هم برای اسبسواری و استرسواری بمنظور راهوار کردن اسبان و استران خود برودخانه میآیند. طرف دیگر این خیابان تقریباً نظیر این سمت است. من بذکر نام خانهها و باغهایی که در اطراف آنست و عده آنها چهارده که در هر طرف هفت تا است و عموماً بنام رجالی است که آنها را ساختهاند نمیپردازم.

گردش عصرها در مدت نه ماه از سال در این خیابان بسیار

میشود و درست راست دروازه ایست که به قصر سلطنتی میرود. -حوض پنجم نیز کوچک و جنب آن آبخاری است. باغهای اطراف آن (باغ مو) و (باغ درخت توت) است حوض ششم مربع و محیط آن صد و هشت پاست باغهای مقابل آن یکی (مهمانخانه درویشان حیدری) و دیگری (مهمانخانه درویشان نعمت‌اللهی) است. محیط حوض هفتمی صد و بیست و چهار پا و بکار تقسیم آب به جویهای کوچهای اطراف میرود. میان این دو حوض آخری سومین آبخاری است که در اطراف آن دو کوچه میباشد و یکی از آنها به باغ میرزا ابراهیم طبیب شاه صفی متصل میشود پل در آنطرف هفتمین حوض است



سردر باغ زرشک یکی از باغهای عهد صفویه در چهارباغ بالا (محل فعلی کارخانه صنایع پشم)

دلپسند و فرح‌انگیز است زیرا در این مدت خیابان و باغچهها را آب میباشند و اطراف حوضها غرق گل‌است. روی سکوهایی کوتاه سردر عمارات را مفروش کرده روی آن قلیان میکشند و بعضی از مردم محترم با اسب رفت‌وآمد میکنند. این خیابان را (چهارباغ) میگویند زیرا اینجا سابقاً (چهارباغ مو) وقف مسجد بوده است. شاه‌عباس کبیر که میخواست چنین خیابانی بسازد این باغها را اجاره ابد کرد و سالیانه دو بیست تومان مال‌الاجاره آنها پرداخته میشود. شاه‌عباس تا اندازه‌ای علاقه ساختن این خیابان داشت که نمیخواست بدون حضور او حتی

و باغهایی که در اطراف محل تقاطع پل و خیابان است عبارتند از باغ (مرغدان شاهی) که مفتولهای قشهای آن از طلاست و باغ (خانه شیران) که در گوشه دیگر واقع است و جاده‌هایی در اطراف آن وجود دارد که بهنگام کمی آب به رودخانه منتهی میشود.

در سمت راست و چپ سدی است که بخارج شهم ختم میگردد، سد سمت راست زیباتر از دیگری است که در اطراف آن قصور اشراف و بزرگان که باغهای وسیع و عمارات عالی و سردرهای بزرگ دارد واقع است. بین این کاخها میتوان

درست شده است که عرض آن متجاوز از دویست قدم است و تا دوفرسخ امتداد دارد .

در دوطرف این خیابان تعداد زیادی درخت چنار که درختانی عظیم و بلند و پر برگ میباشند کاشته اند . برگهای این درختها که به بزرگی برگ درختان مو میباشد برخوابان سایه میگستراند و آنرا زیباتر جلوه میدهد .

این گردشگاه که از زیر گوه صفا آغاز میشود طبقه به طبقه و سراسیم است . آب چشمه‌ای که از وسط خیابان از مجرای زیبایی که از سنگ تراشیده‌اند میگذرد بوضع بسیار زیبا و مطبوعی بر روی هم می‌غلطد و آبشارهای زیبایی را ایجاد

یکدرخت غرس شود . یقین دارند که شاه‌عباس زیر هر درختی یک سکه طلای هشت فرانکی و یک سکه نقره هیجده شاهی که بنام او مسکوک بود نهاده است . اشراف و اعظام‌مشهور و معروف دولتخانه نیز بخرج خود باغها و عمارات مهمی که شرح آنها داده شد بنا کرده‌اند . اللهوردیخان سپهسالار ارتش این فاتح عظیم که هم دوست بزرگوار و هم سوگلی او بود وظیفه خود را با ساختن پلی که یک قطعه بسیار زیبا و نفیس معماری است ادا کرد .^۷

چهارباغ اصفهان در او آخر عهد صفویه :

سانسون Sanson سیاح فرانسوی که در سال ۱۶۸۳ میلادی



نمونه عمارات شاهی در وسط باغهای سلطنتی در دوران صفویه

میکند که بسیار تماشائی و فرح‌بخش است. آبشارها درحوضهای هشت‌گوشی که استخرهای عظیم و زیبایی را تشکیل میدهند میریزد و فواره‌های بلندآبها را بالا میبرند و دوباره به استخرها میریزند و آبها از روی استخرها می‌غلطد و آبشارهای دیگری تشکیل میدهد و به استخرهای دیگری که هر یک سیصد قدم با هم فاصله دارند میریزند .

۷ - سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت شهر اصفهان) صفحه ۱۱۴ تا ۱۱۸ ترجمه حسین عربی .

(۱۰۹۴ هجری) و مقارن یازدهمین سال سلطنت شاه سلیمان به ایران مسافرت کرده و به‌عنوان مهمان شاه مدتی در اصفهان بسر برده است در سفرنامه خود خیابان چهارباغ اصفهان را بشرح زیر توصیف کرده است .

«شاه‌عباس کبیر در شهر اصفهان قصرهای بسیار مجلل و برای خوشگذرانی و تفریح گردشگاههای عالی و دلپسند فراهم کرد و خانه‌های زیبا بنا نهاد . گردشگاهی را که بدستور او بین شهر قدیم و شهر جدید اصفهان ساخته‌اند فوق‌العاده زیبا و جالب و تماشائی است . این گردشگاه از خیابانی بسیار صاف و راست

در فواصل استخرها در دوطرف خیابان منازل سلطنتی ساخته شده است. این خانه‌ها بیک شکل میباشند و بر روی هم قرار گرفته‌اند. طرز ساختمان این منازل بسیار ظریف و عالی است. هر یک از این خانه‌ها از چند طبقه تشکیل شده است و هر طبقه بوسیله ایوانی که کمی بطرف خیابان جلو آمده است از طبقه دیگر مشخص میشود. سردر و جلوخان این خانه را با گلها و شاخه‌های نیم برجسته و طلائی رنگ نقاشی کرده‌اند.»

منظره عبور شاه سلیمان از خیابان چهارباغ :

سانسون Sanson درباره عبور شاه سلیمان از خیابان چهارباغ چنین مینویسد :

« عبور شاه از این گردشگاه بسیار زیبا و منظم و تماشائی است و در نقاطی که شاه از آنجا میگذرد تا قبل از عبور شاه نظم و ترتیب کامل وجود دارد ولی به محض اینکه شاه عبور میکند دیگر نظم و ترتیبی باقی نمی‌ماند پس از عبور شاه امراء و بزرگان که در پشت سر شاه حرکت میکنند نظم و ترتیب را رعایت نمی‌نمایند و بدون اینکه به مقام و درجات یکدیگر توجه کنند درهم و برهم حرکت می‌نمایند .

عبور شاه باین ترتیب است ، ابتدا صاحب‌منصبان گارد کمی جلوتر از شاه بناخت می‌روند تا راهی را که شاه از آنجا میگذرد خلوت کنند ، بعد از آنها چهارصد تفنگدار که نوار دراز قرمز ابریشمی خوش‌رنگی به تفنگهایشان بسته‌اند در دو خط مستقیم در دوطرف خیابان حرکت میکنند ، پس از آنها عده‌ای سرهنگ و صاحب‌منصبان دیگر سوار بر اسب درحالی که کارابین‌های خود را مثل اعراب به پشت شانه‌هایشان آویزان کرده‌اند حرکت مینمایند ، بعد از آنها اسلحه‌داران شاه می‌آیند این افراد از نوع اسلحه‌ای که حمل میکنند مشخص میشوند ، عده‌ای از آنها تفنگهای فنیله‌ای با خود دارند و عده‌ای شمشیر حمایل کرده‌اند و عده‌ای به تیرو کمان مجهز میباشند و بالاخره عده‌ای دیگر گرز و اسلحه‌های دیگری که شبیه به گرز میباشد با خود حمل میکنند ، پس از آنها رئیس کل دربار حرکت میکند سپس به ترتیب رئیس کل بیوتات سلطنتی و میرآخورباشی و خوان‌سالار بزرگ هر یک با عده‌ای از صاحب‌منصبان می‌گذرند ، سپس چندین اسب بسیار عالی را که زین و یراق قیمتی دارند می‌آورند ، پشت سر اسبها صاحب‌منصبان صوفی و فراشان دربار که همه با تبرزین‌های جنگی مسلح میباشند می‌آیند پس از آنها مهماندارباشی که سفرای خارجی را بحضور شاه معرفی میکند می‌آید پس از او چهار نفر از امراء که خدمت شاه را افتخاراً بعهدہ دارند حرکت میکنند و پشت سر آنها رئیس کل تشریفات می‌آید ، رئیس تشریفات تنها حرکت میکند و مواظبت می‌نماید تا در سر راه عبور شاه مانعی پیش نیاید ، پس از او غلام بچگان دربار

درحالی که لباسهای فاخر و زیبا بتن دارند سوار بر اسب می‌آیند و بالاخره کسیکه چتر آفتابی یا سایه‌بان شاه را با خود حمل کند و کسیکه مأمور تهیه قلیان شاه میباشد از پشت سر غلامان میرسند تا در صورتی که شاه درطول راه به سایه‌بان یا بدقلیان احتیاج پیدا کند سایه‌بان و قلیان را بدست غلامان بدهند تا به حضور شاه ببرند ، پس از آن دونفر کمی جلوتر از شاه اولین خواجه حرم‌سرا با ریش سفید و محترم‌ترین خواجه حرم در وسط دوازده فراش پیاده می‌آید و بالاخره پشت سر آنها اعلیحضرت شاه تشریف می‌آورند .

همیشه اعلیحضرت شاه بیک ازوزراء افتخارآنها میدهند که در التزام رکاب باشد و درطول راه با شاه صحبت کند سایر امراء و بزرگان بطوریکه مذکور شد از پشت سر شاه با بی‌نظمی و درهم و برهم حرکت میکنند.

باغات زمان صفویه که تا اواخر دوره قاجاریه موجود بوده و جزء باغات دولتی محسوب میشده است :

باغ بادامستان (محل تلگرافخانه سابق) که بیش از ۲۴ جریب بوده - باغ جزایرخانه و باغ فراشخانه که مقابل چهلستون قرار داشته بمساحت ۳۶ جریب - باغ کجاومخانه (جنب بازار رنگرزها بمساحت چهل و پنج جریب) - باغ خرگاه یا خیمه‌گاه (مقابل باغ بادامستان) بمساحت سی و چهار جریب .

باغ خیاطخانه واقع در جنب چهلستون بمساحت دوازده جریب - باغ تخت (۴۰ جریب) باغ کاج در خیابان چهارباغ (سی جریب) - باغ بابا امیر (سی جریب) - باغ توپخانه و باغ عسگر (چهل جریب) - باغ نسترن - باغ طاووسخانه - باغ پهلوان حسین - باغ آلبالو - باغ عمو طاهر - باغ فتح‌آباد - باغ گلدسته - باغ صالح‌آباد - باغ نظر - باغ عباس‌آباد - باغ زرشک (بمساحت هشتاد جریب) باغ قورچی باشی علیا و باغ قورچی باشی سفلی - باغ قرچتای خان - باغ نوشمال باشی - باغ داروغه - باغ دیوان بیگی - باغ تفنگچی آقاسی - باغ چرخاب - باغ غلامان مطبخ - باغ اعتمادالدوله - باغ میرآخور - باغ مهرداد - باغ ناظر - باغ جلودار - باغ کلاه‌شاه - باغ سیهسالار - باغ بهارستان - باغ جوشاران - باغ کلغنایت - باغ قوشخانه (بمساحت شصت و چهار جریب) .

باغ هزار جریب :

بزرگترین باغهای دوره صفویه که در منتهی‌الیه خیابان

۸ - سفرنامه سانسون ترجمه دکتر تقی تفضلی چاپ تهران صفحه ۱۰۴ تا ۱۰۷ .



منظره خیابان چهارباغ در اوایل قرن چهاردهم هجری (عکس از سفرنامه دیولافوآ)

که در دوران سلطنت شاه عباس اول و شاه سلطان حسین باصفهان آمده و از این باغ دیدن کرده‌اند اکتفا میکنیم^۹.

۵ - برای اطلاع از توصیف کامل باغ هزار جریب مراجعه شود به مقاله نگارنده در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان در سال ۱۳۴۸ - ضمناً برای اطلاع بیشتر خوانندگان این مقاله یادآور میشویم که دانشگاه اصفهان در محل باغ تاریخی هزار جریب بنا شده و یکی از برجهای معروف آن باغ تاریخی هم‌اکنون در محوطه ساختمانهای جدید، دانشگاه مشاهده میشود.

چهارباغ قرار داشته باغ هزار جریب یا باغ عباس آباد نام داشته است که از چند طبقه مشرف بهم تشکیل میشده و قصر هزار جریب در این باغ از گردشگاههای معروف سلطنتی شاه عباس کبیر در پایتخت او بشمار میرفته است. جهانگردان دوره صفویه و اوایل قاجاریه این باغ را چنانکه باید توصیف کرده‌اند و در این مقاله فقط به توصیف پی‌ترو دولواله جهانگرد ایتالیایی Pietro Della Valle و جملی‌کاری ایتالیایی Gemelli Careri

پی‌یترو دولاوله باغ هزار جریب را بشرح زیر توصیف کرده است :

خیابان چهارباغ به باغ بسیار بزرگی که باغ هزارجریب نام دارد منتهی میشود این باغ و همچنین خیابانی که بدان اشاره کردم امروز باسم چهارباغ خوانده میشود زیرا در اصل باغهای چهارگانه‌ای در این محل وجود داشته که از مجموع آنها وضع فعلی بوجود آمده است . سطح باغها یکی بالاتر از دیگری قرار دارد منتهی عبور از آنها با اسب باسانی صورت میگیرد . در آنجا چیز دیگری جز رشته درختان پرشاخ و برگ میوه وجود ندارد و تمام آنها آنقدر کوتاهاند که پیاده‌ها و سواران با دست میتوانند میوه بچینند وبعلاوه هر محوطه‌ای مخصوص درختان خاصی است مثلاً یک مربع مخصوص درختان انجیر و مربع دیگر مخصوص درختان هلو است و بهمین نحو الی آخر .

این باغها متعلق به شاه است ولی مردم با آزادی کامل از آنها استفاده میکنند وآنقدر میوه در آن وجود دارد که برای تمام شهر کافی است و حتی زیاد است . درطول و عرض باغ راهروهای زیادی وجود دارد که اطراف آنرا درختهای سرو کاشته‌اند و این معابر به اندازه‌ای طویل میباشد که انتهای آنها دیده نمیشود . از آخرین باغ که از همه بلندتر است نهری عبور میکند و سپس دیواری آنرا محدود میسازد .
جملی‌کاری ایتالیائی که در آغاز سلطنت شاه سلطان حسین در اصفهان بوده باغ هزارجریب را بشرح زیر توصیف میکند :

« اینجا سربالائی آغاز وراه به دو قسمت منسحب میشود یکی از این دو راه که درطول آن خانه‌های کوچک فراوانی با سر دربهای زیبا دیده میشود به باغ سرسبز شاه میرسد . در این باغ انواع درختان کاشته شده است. از اینجا به باغ « هزارجریب » گذشتیم . این باغ سه میل طول و یک میل عرض دارد ، سر درب منقش عالی آن با دو ردیف ایوان به طرز اروپائی با طلا و لاجورد تزیین یافته و در چهار گوشه آن ، چهار برج بنا گردیده که در بالای آنها لانه‌هایی برای کبوتران تعبیه شده است . جوی آبی نیز از وسط باغ میگذرد که دیواره و کف آن از سنگ تراش است و از این جوی به تمام قسمتهای باغ رشته‌ای آب کشیده و آبشارهای قشنگ و حوضهای متعددی که عکس چنارهای اطراف در آنها نمایان است ترتیب داده و منظره‌ای شاعرانه ایجاد نموده‌اند . در گوشه‌ای از این باغ کنار استخری دو عمارت کوچک زیبا به سبک مراکشی بنا شده که پادشاه در فصل تابستان و گرما در آنها باستراحت می‌پردازد . ایوانهای متعددی نیز برای استراحت افراد خاندان شاهی ساخته شده . در انتهای باغ عمارتی هم برای حرم شاهی بنا گردیده که در جلو آن استخری وجود دارد و قایق کوچکی در روی آن

دیده میشود . جویهای فرعی زیادی نیز جهت آبیاری گلهای و درختان و آبپاشی خیابانهای باغ در هر طرف کشیده شده است . در گوشه دیگر باغ جای نگهداری حیواناتی چون پلنگ، شیر و دیگر درندگان واقع شده ، چند یوزپلنگ هم که شبیه گربه بزرگ هستند برای شکار غزال در اینجا تربیت میشوند . طرز شکار بدین ترتیب است که نخست چند باز به پرواز درمی‌آورند ، باز بر سر شکار می‌نشینند و آنرا گنج میکنند و یا جلو چشمش را میگیرند و سپس یوز را باز میکنند که شکار را گرفتار سازد . »

ستاره اقبال چهارباغ در دوران قاجاریه رو به افول گذاشت :

دیولافوآ Mme Dieulafoy سیاح فرانسوی که از سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۸ هجری قمری) بعد ایران را سیاحت کرده و مدتی در اصفهان بسر برده در سفرنامه خود خیابان چهارباغ را بشرح زیر توصیف میکند :

« باری ما در موقع مراجعت از خیابان بزرگ چهارباغ عبور کردیم با اینکه این خیابان حزن‌آور و متروک است طرف عصر که کاروانها بسمت جنوب حرکت میکنند مختصر جنب و جوشی در آن پیدا میشود اما این رفت و آمد چند نفر قاطرچی و مردم فقیر را چگونه میتوان با آن جلال و شکوه و ازدحام گردش‌کنندگان دو بیست سال قبل مقایسه کرد . از نقاشی‌های مخصوص چهلستون میتوان استنباط کرد که در آن تاریخ اعیان و اشراف و ثروتمندان بالباسهای زردوزی ارغوانی و کشمیری در روی سنگفرش‌های این خیابان مرکزی قدم‌زنان تفرج میکردند و در خیابان‌های طرفین چابک‌سواران آراسته در سرعت بر یکدیگر سبقت می‌گرفته‌اند و در روی زمین ویراق طلا و نقره در مقابل بانوان زیبا که در بالاخانه‌های کاخها نشسته بودند رژه میداده‌اند .

در این هنگام من بالای بام یکی از این کاخهای ویران رفتم تا اطراف را تماشا کنم متأسفانه هرچه نگاه کردم اثری از آن سواران اشراف‌زاده نیافتم تنها پیادگان فقیر و حمالانی که کمرشان در زیر بارهای سنگین خم شده‌است در رفت و آمد میباشند . چنارهای عظیم‌الجثه هم از شاخ و برگ عاری و دارای آن سرسبزی نیستند که بدرختان وعده عمر طولانی دهند . سنگ‌فرش‌های پیاده‌رو از جای درآمدند . مجاری آب خشک شده و در ته حوض‌ها مقداری آب را کد دیده میشود که خزها و کثافات روی آنها را پوشانیده‌اند . در باغچه‌های طرفین خیابان هیچ آثاری از گل‌سرخ دیده نمیشود حتی از درختهای یاسمن صحرائی هم که زینت‌افزای باغهای وحشی هستند اثری پدیدار نیست .

از این منظره حزن‌آور و وحشت‌انگیز روی بر تافته



پل اللهوردی خان درواصه اتصال چهارباغ باین و چهارباغ بالا بوده است (عکس از سفرنامه کرنلیوس لوبرون)

بایران مسافرت کرده و مدتی در اصفهان بسربرده در سفرنامه خود تحت عنوان بسوی اصفهان Vers Ispahan در باره خیابان چهارباغ چنین مینویسد :

« اصفهان مزارع هجوم وحشی‌های خاوری در اوج زیبایی و ظرافت بوده و خیابان چهارباغ در آن هنگام مرکز قشنگی و زیبایی بوده است بطوریکه کاخ و رسای هم بآن نمیرسیده است . در ساعات گردش و تفریح خانم‌های با حجاب در ایوانهای قصور جمع میشده‌اند تا تاخت و تاز اسب سواران را روی تخته سنگ‌های سفید و بین دو دیوار درخت‌های گل‌سرخ که در تمام کنار خیابان کاشته شده‌اند تماشا کنند . اسبهای مغرور با زینهای طلائی با وضع و اندامی زیبا چهارنعل میرفتند و با انحنای مخصوص گردن میگرفته‌اند که ایرانی‌های کنونی هم میخواهند همانگونه اسب‌ها را تربیت کنند. اسب‌سواران ظریف لباسهای تنگ کشمیری و زر دوزی بتن داشته و ریشهای

و نظری بداخل عمارات ویران انداختم و با کمال تعجب مشاهده کردم که هنوز هم در این اطاقهای بی‌سقف پر از خاک کاشیهای زیبایی جلوه‌گری میکنند . در دیوارها جایجا تابلوهای نقاشی که روی آنها را خاک پوشانیده اوضاع اندرون‌های اشراف توانای قدیمی را نمایش میدهند و معلوم است که با دست استادان و هنرمندان با مهارتی ترسیم شده‌اند . در این تابلوها زنان زیبا و آراسته‌ای دیده میشوند که لباسهای حریر در بر و عمامه یا تاج جواهرنشانی بر سر دارند و در باغهای با صفا با نشاط و سرور سرگرم عیش و نوش و باده‌گساری و خوردن شیرینی و میوه میباشند . لباسهای آنها با آب‌ورنگ گیرنده‌ای نقاشی شده و صورتهای آنها رنگین‌تر از زمینه سفید شیرمانند تابلو نیست .

پیرلوتی Pierre Loti سیاح و نویسنده باذوق فرانسوی که در سال ۱۹۰۴ میلادی برابر با سال ۱۳۲۱ هجری قمری

از این سردرها هم ایوان وسیعی بوده که در آن رستوران یا قهوه‌خانه‌ای وجود داشته و سکنه شهر پس از فراغت از کار روزانه در آن جمع میشده و با شامیدن قهوه و کشیدن قلیان میپرداخته‌اند.

متأسفانه ظل‌السلطان از این خیابان خوش‌منظر و فرح‌آور هم مانند سایر آثار باستانی چیزی باقی نگذاشته است. جداول سنگی را پر کرده و سنگهای حواشی آنها را فروخته و نقاشی‌های طاقنماها و دیوارها را هم محو کرده است. از همه بدتر آنکه این شاهزاده منهدم‌کننده خسارت جبران‌ناپذیری باین خیابان وارد ساخت. یعنی درختان چنار که سنال سیصد ساله را که موجب ابهت و شکوه این خیابان قدیمی بود و بر زمین آن سایه می‌انداخت همه را از ریشه درآورد و به بهای نازلی فروخت بطوریکه نقل می‌کردند چند ماه قبل از ورود ما باین شهر شاهزاده تمام این درختان را بریده و هر یک را بمبلغ ناچیزی یعنی بیست تومان فروخته است. و قتیکه انسان باین فکر بیفتد که با چه زحمات و با چه توجهاتی در مدت چندین قرن پرورش چنین درختانی موفق گردیده‌اند تا خیابان عریض و طویل این شهر را که محل عبور و مرور ساکنین و سیاحان خارجی بوده آرایش شایسته‌ای دهند آنوقت با اهمیت این انهدام و خرابیهای جبران‌ناپذیر که بواسطه طمع بی‌پایان ظل‌السلطان حاکم اصفهان بعمل آمده پی خواهد برد^{۱۰}.

چهارباغ پهلوی :

چنانکه جهانگردانی مانند دیولانوا و پیرلوتی وهانری رنه دالمانی توصیف کرده‌اند و شرح آن گذشت چهارباغ اصفهان مانند سایر آثار تاریخی این شهر در دوران قاجاریه به وضع بسیار اسفناکی درآمده بود و این کیفیت تا طلوع سلطنت سر دودمان سلسله جلیل پهلوی همچنان باقی بود اما با شروع نهضت جدید ایران و توجه اعلیحضرت رضاشاه کبیر به شهر اصفهان و تعمیر و ترمیم آثار تاریخی و ایجاد کارخانجات صنعتی اصلاح خیابان چهارباغ و درختکاری و تنظیم نهرها و جوی‌های آن مورد توجه قرار گرفت و نه تنها چهارباغ شاه‌عباسی صفا و طراوت و عمران و آبادی خود را از سر گرفت بلکه از طرف شمال این خیابان بنام (چهارباغ پهلوی) ادامه داده شد و به‌فلكه پهلوی منتهی گردید و دوچهار باغ عباسی و پهلوی بر روی هم خیابانی را بوجود آوردند که در کمتر شهری نظیر آنرا میتوان یافت و باین ترتیب همه چهار باغهایی که تا این تاریخ در ایران بوجود آمده بود و در مقدمه این مقاله به نام آنها اشارت رفت تحت‌الشعاع چهارباغ عباسی پهلوی قرار گرفت.

۱۰ - نقل از سفرنامه خراسان تا بختیاری تألیف هانری رنه دالمانی ترجمه و نگارش فره‌وشی (مترجم همایون) صفحه ۹۱۹ چاپ تهران.

رنگین و دراز آنها روی جامه‌ها میرسیده است. انگشترها و دستبندها در دست ووجه‌ها بر روی کلاه بلند خود داشته‌اند. چهار باغ بطوریکه در زیر آفتاب ماه مه امروز بنظر من میرسد حزن و اندوهی غیرقابل بیان بر آن حکمفرماست و راه ارتباط بین دو توده خرابه و خاک جلغا و اصفهان تقریباً متروک مییابد. چنارها که بیش از سیصد سال از عمرشان میگذرد هیكل‌های بزرگی هستند که در حال مرگند و سرشان برداشته شده است. نخسته سنگهای خیابان از هم جدا شده و بین آنها را علف‌های هرزه فرا گرفته است. حوضهای آب خشک یا تبدیل به منجلاب‌های کثیفی شده است. باغچه‌های گلدار نابود و نقابای درختهای گل‌سرخ مانند خارستان خودرو و بی‌ترتیبی گردیده است. قصرهایی که هنوز سرپا است متروک و ورود در آنها آزاد است. طاقهای اطاقها بتدریج ریخته است. افغانها از روی تعصب دینی بمحض ورود صورت زنها را زیبا را که روی بدنه عمارت‌ها نقاشی شده بود خرد کرده و نابود ساخته‌اند. خیابان چهارباغ با خیابانهای درخت‌دار دیگری که هنوز باقی است و یادگار دوره‌ایست که فاصله کمی از دوره ما دارد صد دفعه اندوهناک‌تر از آثار گذشته‌های دور بنظر میرسد.

هانری رنه دالمانی Henry - René d'Allemagne

سیاح فرانسوی که در سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۴ هجری) به ایران مسافرت کرده در سفرنامه خود تحت عنوان از خراسان تا بختیاری درباره خیابان چهارباغ اصفهان چنین مینویسد :
« چون منزل ما در نزدیکی خیابان چهارباغ واقع است اغلب اوقات میتوانیم نظری باین خیابان که سابقاً شهر اصفهان را زینت میداده و بر شکوه و عظمت آن میافزوده بیندازیم. این خیابان بسیار عریض و طویل است و از مرکز شهر بطرف پل اللهوردیخان ممتد است. طول آن تقریباً به ۱۲۵۰ متر و عرض آن به ۵۰ متر میرسد. در دوران سلطنت سلسله صفویه کاخ دو طبقه‌ای در میان این خیابان وجود داشته که بوسیله دهلیزی با حرم شاهی مربوط بوده است و لعبتان طناز محبوس در حرم میتوانستند از خلال درها و پنجره‌های آن از مناظر خوش‌نمای اطراف شهر بهره‌مند گردند. در طرفین این خیابان جدولهای عریضی با سنگ و ساروج ساخته بودند که آب اتصالاً در آنها جریان داشت و در حوضهای قشنگ سنگی که در محل تلاقی کوچه‌های عمومی واقع بود میریخت. درختان چنار آراسته‌ای در اطراف آن سر با آسمان کشیده و عابرین را در سایه خود از حرارت آفتاب حفظ میکردند و نیز در طرفین آن دیوارهای بلندی با طاقنماهای قشنگ نقاشی شده جلب‌نظر مینموده است. جایجا در مقابل حوضها در کنار خیابان سردرهای مجلل و باشکوه باغهای متعدد دیده میشده که هر یک نام مخصوصی از قبیل باغ تخت و باغ بلبلان و باغ تاکستان و باغ درویشان و باغ کاج و باغ توتستان و غیره داشته است. در روی بعضی